



انسان با ایمان انسانی است که هر حادثه ای او را از جایش تکان ندهد/ رابطه ایمان و گناه

آیت الله جاودان در درس اخلاق در مورد مراتب ایمان گفت: وقتی اسم ایمان بر ایمان من صادق است که هر حادثه ای مرا از جایم تکان ندهد. اگر هر گناه کوچک و بزرگی حواس مرا پرت می کند، آن وقت ممکن است نشود اسم ایمان را رویم گذاشت.

آیت الله جاودان در درس اخلاق در مورد مراتب ایمان گفت: وقتی اسم ایمان بر ایمان من صادق است که هر حادثه ای مرا از جایم تکان ندهد. اگر هر گناه کوچک و بزرگی حواس مرا پرت می کند، آن وقت ممکن است نشود اسم ایمان را رویم گذاشت. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله محمدعلی جاودان در ادامه درسهای اخلاق خود به بحث در مورد مراتب ایمان پرداخت که اکنون از نظر شما می گذرد.

یک بحثی را عرض کردیم که کمی از آنرا در دو جلسه مطرح کردیم. عرض کردیم که امام با خدای متعال یک نسبتهایی دارد. یک نسبتی امام با پیامبر دارد و یک نسبتی امام با مردم دارد. عرض کردیم نسبتی که امام با خدای متعال دارد این است که اولاً خلیفه خداست. بحثش را مطرح کردیم. عرض کردیم نسبت دوم این است که امام ولی خداست. بعد عرض کردیم که آیا این أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ که ناگزیر بعد هم می گوئیم أَشْهَدُ أَنْ الْحَسَنَ وَلِيُّ اللَّهِ. أَشْهَدُ أَنْ الْحُسَيْنَ وَلِيُّ اللَّهِ. این در تمام ائمه جاری است دیگر. این به چه معناست. این ولی که در اینجا شهادت می دهیم چه معنایی دارد؟ بعد به این مناسبت وارد بحث ولی که در قرآن آمده شدیم. اولین معنای ولی را بحث کردیم که آن چیزی بود که در آیه ۲۵۷ سوره مبارکه بقره یعنی اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا آمده.

ببینید اینجا نفرمود الله ولی الذین کسانی که بر مردم امامت می کنند. این را نگفتند. گفتند بر مومن. هرکس مومن است. یک مقداری از بحثش را هفته گذشته عرض کردیم. هرکس ایمان بیاورد، یعنی بشود روی ایمانش اسم ایمان گذاشت، خدا ولی اوست. وقتی اسم ایمان بر ایمان من صادق است که هر حادثه ای مرا از جایم تکان ندهد. اگر هر گناه کوچک و بزرگی حواس مرا پرت می کند، آن وقت ممکن است نشود اسم ایمان را رویم گذاشت. برای اینکه اسم ایمان رویش گذاشته شود، حداقلش این است که گناه نکند. وقتی که گناه نکند به حد نصاب حداقل رسیده است. اگر با دستور زکات آشنا باشید مثلاً اگر کسی چهل تا گوسفند داشته باشد به نصاب اول گوسفند رسیده است. این باید یک گوسفند به عنوان زکات بدهد.

حالا ممکن است یک ذره عدش را درست نگفته باشم. آن وقت یک نصاب دوم و سوم و چندم دارد. این نصاب حداقلی ایمان، آن وقتی است که انسان هیچ گناهی نمی کند. یا اگر در خاطرتان باشد این را هم عرض کردیم که اگر هم یک وقت یک لغزشی پیش آمد جبران می کند. جبران می کند. این اصلاً بنا ندارد گناه کند. ببینید فرض ندارد که من خدا را قبول داشته باشم اما مثلاً وقتی دارم می روم سر کارم با خود بگویم اگر فلانی آمد یک دروغی به او می گویم که چطور باشد. نمی شود. مثلاً امشب شب عروسی فلانی بود و اگر هم دیر شد و نمازم قضا شد، خب بعد می خوانیم. آن سال های اولیه که به کربلا می رفتند با یک کاروان صد نفره رفته بودیم. یک جایی ایستاده بودیم نماز بخوانیم و می گفتند الان ماشین می رود و دیر می شود. گفتند آقا خب نماز قضا را هم خدا گذاشته است. حالا بعد می رویم قضایش را می خوانیم. یک عده اینگونه می گفتند. یک عده می گفتند آقا نماز نباید قضا شود. در هر صورت نماز نباید قضا شود. ما نمازمان را می خوانیم. هر طور شد. ماشین هر طور شد نه نماز هر طور شد. این گونه نمی شود. اگر بگوید نماز هر طور شد با ایمان نمی سازد. ببینید این حداقل است. حد نصاب اقل. نصاب اقلش این است که آدم نمازش را به هر چیزی نمی فروشد یا هر گناهی آمد مقاومت و مقابله می کند. خب این حداقل بود.

خدای متعال از اینجا ولایت امر مومن را به عهده می گیرد. در مورد مقدارش هم مکرر عرض کردیم. گفتند که اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا اگر ایمان باشد ولایت الهی هست. ولایت الهی از وقتی که ایمان به حد نصاب رسیده، هست. خب اگر ملاک و معیار ولایت الهی ایمان است، ببینید ملاکش ایمان است، بنابراین هرچه ایمان بیشتر باشد، ولایت بیشتر است. هرچه بیشتر باشد، بیشتر است. تا به جایی می رسد که خدای متعال ذره ذره امر آدمی را ولایت می کند. ولایت می کند یعنی شما را مجبور می کند؟ نه. مثل شما که پدر یک فرزند خردسال هستی و از او مراقبت می کنی. حالا این مثال ناقصی است اما تقریباً اینگونه است. از فرزند خردسالت مواظبت می کنی. شما ولی آن فرزند هستی. برایش آنچه که بهتر است را در نظر می گیری. خب ببینید عرض کردیم وقتی ملاک این ولایت ایمان است و هرچه ایمان برتر و بیشتر است، ولایت برتر و بالاتر است، چه می شود. هفته گذشته هم این را عرض کردم اما حالا روایتش را آورده ام از رو بخوانم. امیرالمؤمنین (ع) یک چیزهایی را در مورد نسبت بین خودشان و پیامبر می گویند که فعلاً نمی خوانیم. آن چیزی که ایشان در مورد پیامبر می گویند و ما می گوئیم همین معنایی است که عرض کردیم این است: لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ (ص) مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيماً أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ تَرْجَمَهُ اش را از رو می خوانیم. «خداوند بزرگ ترین فرشته خود را مامور تربیت پیامبر کرد.» او بزرگترین تربیت شده خداست که برای تربیت ما آمده است. «تا شب و روز او را به راه های بزرگواری و راستی و درستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند.» تمام رفتار و اعمالش تحت تربیت آن مربی آسمانی بود. تمام نکات اخلاقی تحت تربیت مربی آسمانی بود. «او را به راه های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند.»

بعد هم نسبت خودشان را با پیامبر می گویند. «و من همواره با پیامبر بودم. چونان فرزند که همراه با مادر است.» مثلا فرض کنید یک بچه شش ماهه دائما به مادرش چسبیده دیگر. مثل بچه ای که دائما با مادرش هست من با ایشان بودم. «پیامبر هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود.» یک درس اخلاق تازه می داد. «و به من فرمان می داد که به او اقتدا نمایم.» این یک قسمت است. حالا در این زمینه روایات زیادی داریم که خدمتتان عرض می کنیم. همه اش در باب این است که پیامب تحت ولایت الهی بود و امام تحت ولایت الهی است. یک فرمایشی داریم. یعنی یک فصل داریم.

جابر جعفی از حضرت صادق(علیه السلام) نقل می کند. حضرت فرمودند: یا جابر! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ خَدَايَ مُتَعَالٍ إِنْسَانَهَا رَا در سه دسته خلق فرمود. ما این را از کجا می گوییم؟ قرآن دارد. در آیه ۷ سوره مبارکه واقعه می فرماید: وَ كُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً در آیات بعد می فرماید: فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ این یک دسته. در آیه بعد می فرماید: وَ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ این هم یک دسته و در دو آیه بعد: وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ببینید خدای متعال یک کسی را جزء اصحاب یمین خلق کرد. حرف این است؟ و یک دسته را هم به عنوان اصحاب شمال خلق کرد. یعنی یک دسته را بهشتی خلق کرد و یک دسته را جهنمی خلق کرد؟ اینگونه نیست. ما چنین چیزی نداریم.

هر کس خلق می شود هیچ رنگی ندارد. هرکس خلق می شود در بدو تولد هیچ رنگی ندارد. نه رنگ اصحاب یمین را دارد و نه رنگ اصحاب شمال. خودش این راه را انتخاب می کند و در این راه پیش می رود. درمورد مثلا بچه ی حرامزاده هم حرف تمام نیست. ببینید ما اینها را در تجربه روزگار خودمان می دانیم دیگر. یک کسی که در یک خانواده خیلی بد و کثیف و آلوده ای متولد می شود حتما بد می شود؟ نه. یک کسی در خانواده بسیار خوبی متولد می شود حتما خوب می شود؟ نه. اینها عوامل بیشتری دارند. این عوامل بیشتری برای خوبی دارد و آن عوامل بیشتری برای بدی. اما صد در صد نیست. اگر صد درصد شود تکلیف برداشته می شود. وقتی هنوز دو راه باقی است، تکلیف هست. اصطلاح قرآن در آیه ۱۰ سوره بلد می فرماید: وَ هَذَيْنَا نَتَجَدَّيْنِ مَا إِنِهِنَّ رَا به دو نجد هدایت کردیم. نجدالخير و نجد الشر. این طرف همه هست. هرکس اینگونه نیست، تکلیف ندارد. مانند این دیوار است. مثل گرج است. گرج گناهی ندارد و تکلیفی ندارد. ساختمانش اینگونه است. اگر یک کسی اینگونه است، دیگر تکلیف برداشته می شود. همه در بین دو راه متولد می شوند. خودش کدام راه را انتخاب می کند؟

یک دسته هم سابقین هستند. حالا در این بخش یک مقدار جای صحبت داریم. خب. حرف یک ذره نیست. این یک ذره ای که امشب عرض می کنم همه حرف نیست. باید حوصله کنید تا بتوانیم همه حرف را عرض کنیم. در ادامه حدیث امام صادق می فرماید: فَالسَّابِقُونَ هُمْ رُسُلُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. رسولان خدا جزء سابقین هستند. اینهایی که خدای متعال به عنوان نبی و رسول قرار داده در شمار سابقین هستند. وَ خَاصَّةً لِلَّهِ مِنْ خَلْقِهِ إِنِهِنَّ بندگان خاص خدا هستند. جَعَلَ فِيهِمْ حَمْسَةَ أَزْوَاجٍ فعلا به آن بخش های اخلاقی مساله نگاه نکنید. خدای متعال در آن موجودات خاصان از بندگان پنج روح قرار داد. أَيْدَهُمُ بِرُوحِ الْقُدُسِ آنها را به روح القدس تایید کرد. همین است که در حدیث امیرالمؤمنین(ع) نقل کردند خدای متعال أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ یک روح علاوه دارد و آن روح علاوه او را تحت تربیت خودش دارد و از او مراقبت می کند. ببینید همه حرف هایی که ما می زنیم، مثلا می گوییم در امام پنج تا روح هست، فکر می کنیم در این کالبد مثلا پنج تا روح گذاشته اند. سینه را باز کرده اند و یک روح و دو روح و تا پنج روح را گذاشته اند. اینگونه نیست. اما زبان ما زبان بشری است و زبان بشری این نقایص را دارد.

در ادامه حدیث امام صادق علیه السلام می فرماید: فَبِهِ عَرَفُوا الْأَشْيَاءَ اینکه امام هرچیزی را می فهمد به برکت آن روح القدسی است که در او هست. بفرمایید که تحت تربیت اوست. همه چیز را به خاطر وجود چنین روحی می شناسد. وَ أَيْدَهُمُ بِرُوحِ الْإِيمَانِ روح ایمان را هم خدا در آنها قرار داده. این هم روح دوم. فَبِهِ خَافُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ به خاطر روح الایمان از خدا می ترسند. ببینید یک حرفی عرض کنم. یک امام، یک انسان است. درست است؟ اگر انسان نیست اصلا امام نیست. اگر انسان نباشد، نمی تواند امام انسان های دیگر باشد. فرشته که نمی تواند بفهمد وقتی من گرسنه ام می شود و دلم درد می گیرد یعنی چه. نمی تواند امام من باشد. باید یک کسی باشد که بفهمد گرسنگی یعنی چه. حالا یک مثال های دیگر هم هست. خب. این انسان است. بعد مومن است. روح ایمان دارد. بر اساس اینکه مومن است نماز می خواند. امام، چون امام است نماز می خواند؟

نه. چون مومن است. مومن است و مسلمان است و هر مسلمانی موظف است وظایف مسلمانی را انجام دهد. انجام می دهد. نماز را به خاطر امام بودنش نمی خواند. فقط امام نماز نمی خواند. همه باید نماز بخوانند. به عنوان امامتش نماز نمی خواند. به عنوان ایمانش نماز می خواند. شب که در خانه خدا گریه می کند و زار می زند و مثلا فرض کنید مدهوش می شود، خب در ائمه مدهوش شدن را داریم. البته آن که گفتند هفتاد بار غش کردن را تا به حال در منبعی ندیده ایم اما در هرصورت یک چنین فرضی وجود داشته. ممکن است آن بزرگواران گاهی در اثر نهایت جهات معنوی مدهوش می شدند.

مثلا حضرت صادق علیه السلام آیه إِيَّاكَ نَعْبُدُ رَا و حضرت زین العابدین علیه السلام آیه مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ را می فرمایند انقدر گفتم و گفتم و گفتم تا آن را از نازل کننده اش شنیدم. دیگر نتوانستم. مثلا به اصطلاح ما دیدند امام از حال رفت. مدهوش شده. امام که بیهوشی و غش ندارد. مدهوش می شدند. اینها همه بر اساس ایمان است. مومن باید نماز بخواند. حالا پس چرا او هزار رکعت نماز می خوانده؟ وَ أَيْدَهُمُ بِرُوحِ الْإِيمَانِ فَبِهِ خَافُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ أَيْدَهُمُ بِرُوحِ الْقُوَّةِ فَبِهِ قَدَّرُوا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ روح قوت. اینها اصطلاحات خاص روایات است. به آنها روح قوت داده شد. و به خاطر آن است که مثلا توانایی این هزار رکعتی که عرض کردیم را داشتند. البته در خاطراتان باشد این هزار رکعت را در شبانه روز می خواندند. ممکن است در طول شب

آدم نتواند و ساعات شب برای هزار رکعت نماز خواندن وافی نباشد. آدم هم داشته ایم که از جنس من و شما بوده و اینگونه بوده. آن وقت می گویند خدای متعال در آدم های معمولی سه تا روح قرار داده و در مومن روح چهارمی یعنی روح ایمان را قرار داده. روح الایمان را خود شما تحصیل می کنی. فکر می کنی و عقلت را به کار می اندازی و اعتقاد پیدا می کنی. مطالعه و دقت و مراقبت می کنی. از خودت مراقبت می کنی و ایمان درونت به وجود می آید. یک روح جدید می آید. ببینید عرض کردم روح روی روح مانند آجر روی آجر نیست. این روح قوت تازه می یابد. هر اخلاق خوبی که شما تحصیل کنی روح یک قوت تازه می یابد. هر عمل بدی که ترک کنی و جایش یک عمل خوب بگذاری یک روح تازه یافته ای. یعنی قوت تازه معنوی یافته ای. خب این را فقط یک اشاره کردیم.

از حضرت صادق علیه السلام سوال شد. از آیه ۵۲ سوره مبارکه شوری. وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا ابْنِجْنِیْ بِهٖ تُو رُوحِیْ رَا اَز اَمْر خُودَمَان وَحِی کَرْدِیْم. اَمْر یک مساله است و روح یک مساله است. ما روحی را به تو وحی کردیم. در ادامه می فرماید: مَا كُنْتَ تَدْرِیْ مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِیْمَانُ تُو اَگَر خُودَت بُودِی نِه مِی فُهْمِیدِی اِیْمَان چِیست و نِه مِی فُهْمِیدِی کِتَاب آسْمَانِی یعنی چه. دقت کنید. خودش. امام انسان کاملی است که خودش به خودی خود هیچ چیز نیست. پیامبر یک انسان کاملی است که الان انسان کاملی است اما خودش به خودی خود هیچ چیز نیست. به مدد خداست. ببینید عرض کردیم خدای متعال در او روحی قرار داده و آن روح او را تربیت و تایید کرد. آن وقت بعد پرسیدند این روحًا مِّنْ أَمْرِنَا یعنی چه؟ حضرت صادق فرمودند خَلْقٌ مِّنْ خَلْقِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ اِیْن یک مخلوقی است از مخلوقات الهی. أَعْظَمُ مِّنْ جِبْرِئِلَ وَ مِیْكَائِیلَ بزرگ تر و برتر از میکائیل و جبرئیل است. آنجا خواندیم در آنها پنج روح قرار داد و اَیْدَهُمْ بِرُوحِ الْقُدُسِ آنها را با روح القدس تایید کرد. این روح پنجم است. اینجا داریم از یک روح ششم صحبت می کنیم. می گویند این خلقی است از مخلوقات خدا و بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل است. کَانَ مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ او همراه پیامبر بوده. یُخْبِرُهُ وَ یُسَدِّدُهُ خُبْرَهِیْ که باید به او برسد از طریق ایشان می رسیده. او را تسدید می کرده. تَقْوِیْتِش مِی کَرْدِه. آن روح تربیتش می کرده. آن روح ششم. وَ هُوَ مَعَ الْأَئِمَّةِ مِّنْ بَعْدِهِ اِیْن روح ششم همراه ائمه هم هست.

باز می گوید سَأَلَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ بَاز اَز اِیْن آیه سوال شده. اِیْن آیه رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا یعنی چه؟ فرمود مِّنْذُ أَنْزَلَ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ ذَٰلِكَ الرُّوحَ عَلَی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فرمود از آن زمان که خدای متعال این روح را بر پیامبر نازل کرد. مَا صَعِدَ إِلَى السَّمَاءِ دِیْگَر بِه آسْمَان نَرْفَعَه است. او همچنان در ما ارث رسید. به امام بعدی ارث رسید تا پایان. باز روایت بعدی می گوید از حضرت صادق علیه السلام سوال کردم یَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِّنْ أَمْرِ رَبِّیْ آیه عوض شد. یک سوال دیگر می کنند. آیه ۸۵ سوره مبارکه اسراء. اَز تُو دَرْمُورِد رُوح سوال می کنند. بگو روح از امر رب ما است. آنجا هم گفتند: رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا یک عالمی داریم به نام عالم امر. بگو روح از امر رب ما است. امام فرمود خَلْقٌ أَكْبَرُ مِّنْ جِبْرِئِلَ وَ مِیْكَائِیلَ اِیْن یک مخلوقی است بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل. کَانَ مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ او همراه پیامبر بوده. وَ هُوَ مَعَ الْأَئِمَّةِ هَمَّچَان همراه ائمه می ماند. اِیْن روح ششم بود. دَر خَاطِرَتَان بَاشَد. وَ هُوَ مِّنَ الْمَلَکُوتِ

باز در روایت بعد می فرماید خَلْقٌ أَكْبَرُ مِّنْ جِبْرِئِلَ وَ مِیْكَائِیلَ لَمْ یَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِّمَّنْ مَضَى اِیْن رُوح همراه پیامبران گذشته نبوده. آنها تا حد پنج روح هستند. همه پیامبران بزرگ گذشته صاحب پنج روح بودند. اِیْن روح ششم فقط همراه این چهارده نفر است. باز فرمودند یُسَدِّدُهُمْ تَقْوِیْتِشَان مِی کَرْد. برایشان خبر می آورد. تربیت می کرد. همان عباراتی که امیرالمومنین فرمود. ذره ذره آنچه که او عمل می کند تحت تربیت آن روح عمل می کند.

در حدیث بعدی ابوحمره ثمالی می گوید: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعِلْمِ؟ عِلْمِی که در امام وجود دارد عِلْمٌ یَتَعَلَّمُهُ الْعَالِمُ مِّنْ أَقْوَامِ الرِّجَالِ؟ مانند سایر علما است که به نزد استاد می روند و از استادی آموزشی؟ خب مثلاً یک کسی هست که فرض کنید در آن علوم دینی صد هزار حدیث حفظ دارد. از استاد شنیده است. علم علمای شما هم اینگونه است؟ أَمْ فِی الْكِتَابِ عِنْدَكُمْ تَقْرَءُونَهُ فَتَعْلَمُونَ مِیْنَه؟ یا اِیْن عِلْمِی که در شما هست در یک کتابی است که شما آن کتاب را میخوانید و از آنجا چیز می آموزید؟ عِلْمِی که امام دارد از زبان استاد است و از انسان های دیگر است یا از یک کتاب است؟ فرمود الْأَمْرُ أَكْبَرُ مِّنْ ذَٰلِكَ مَطْلَب خیلی بالاتر از این حرف هاست. وَ أُوجِبُ أَمَّا سَمِعْتَ اِیْن آیه شریفه را نشنیده ای که می فرماید وَ كَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَیْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِیْ مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِیْمَانُ در ادامه آیه دارد: وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا أَن كِه كَفْتِیْم خُودَت بِه خُودِی خود نمی توانستی بدانی، آنرا به عنوان یک نور در تو قرار دادیم.

ما به تو تعلیم کردیم. بعد فرمود که رفقای تو اِیْن آیه را چه معنا می کنند؟ بعد فرمود: أَلْیَقْرُونَ أَنَّهُ كَانَ فِی حَالٍ لَا یَدْرِیْ مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِیْمَانُ آیه می گوید. یک زمانی بود (حالا منظور زمان نیست) یک زمانی بود که تو نمی دانستی ایمان یعنی چه و نمی دانستی کتاب یعنی چه. منظور از کتاب هم کتاب های آسمانی است. خب یک زمانی اینگونه بود. دوستان تو یک چنین حرفی را نمی گویند؟ فَقُلْتُ لَا أَذْیْ نِمِی دَانَم اِیْنها چه می گویند. امام فرمود فَقَالَ لِی: بَلِّیْ قَدْ كَانَ فِی حَالٍ لَا یَدْرِیْ مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِیْمَانُ بَلِه. یک زمانی بود (عرض کردیم منظور زمان نیست. یعنی یک چیزی بود. یک شرایطی بود. باز این هم به خاطر نقص بیان است. حالا توضیح عرض میکنم) فَقَالَ لِی: بَلِّیْ قَدْ كَانَ فِی حَالٍ لَا یَدْرِیْ مَا الْكِتَابُ وَ لَا الْإِیْمَانُ یک زمانی بود و در یک حالی بود که نمی دانست کتاب چیست و نمی دانست ایمان چیست. حَتَّى بَعَثَ اللّٰهُ تَعَالَى الرُّوحَ التِّیْ ذَکَرُ فِی

الْكِتَابِ تَا اَيْنِ رُوحِي كِه قَرآنِ فرموده را خدای متعال مبعوث فرمود وبرايشان فرستاد. فَلَمَّا أُوحَاها إِلَيْهِ عَلَّمَ بِهَا الْعِلْمَ وَ الْفَهْمَ وقتی خدای متعال اَيْنِ رُوح را به آنها وحی فرمود و بفرماييد بر آنها نازل کرد و به آنها عطا کرد و اَيْنِ رُوح تازه را به آنها داد حالا علم را دانستند. به فهم رسیدند. نه از اَيْنِ فهم ها و علم های ما. وَ هِيَ الرُّوحُ الَّتِي يُعْطِيهَا اللَّهُ تَعَالَى مَنْ شَاءَ اَيْنِ رُوحی است که خدای متعال به آن کس که می خواهد می دهد. اختصاصی است.

ببینید ماها یک موجودات خاص داریم. اگر عبارتی که خواندیم در خاطرتان باشد بندگان خاص هستند. با بندگان خاص به صورت اختصاصی عمل شده. ما معتقد هستیم امام و پیامبر از بدو تولد معصوم هستند. کسب نکرده. اَيْنِ کسب نیست. عطا است. حالا جوانب دیگری در بحث هست که باید وقت دیگری بحث شود. اَيْنِ موجود از روز اول و از لحظه اول تحت تربیت است. تسدید است. تسدید یعنی تقویت. دائما یک کسی بالای سرش ایستاده و از او مراقبت می کند. خب. اَيْنِ یک موجود خاص است. به اَيْنِ آدم میگوییم ولی. کسی که تحت تاييد، تقویت، تربتی و ولایت الهی است. خب. یک آدم هایی هستند که به صورت اختصاصی بندگان خاص هستند.

همه ما می توانیم به اَيْنِ مقام برسیم. اَيْنِ بحث اخلاقی مان است. خدای متعال یک موجودات و بندگان خاص دارد که دیگران هم می توانند به آن مقام برسند. یعنی می توانند تحت تربیت قرار بگیرند. می توانند تحت ولایت قرار بگیرند. تحت تسدید، تقویت و همه اَيْنِ چیزهایی که اینجا گفتیم. ببینید می فرماید وَ هِيَ الرُّوحُ الَّتِي يُعْطِيهَا اللَّهُ تَعَالَى مَنْ شَاءَ هرکس را که بخواهد. اَيْنِ جریان، جریان اختصاصی است. حالا من می توانم جزء اختصاصی ها باشم؟ بله می توانید. همه می توانند. ببینید اگر در خاطرتان باشد مکرر عرض کردیم. مقام نبوت مقام اختصاصی است. به کسی داده نمی شود. مگر آنچه که خدا می خواهد. مقام رسالت مقام اختصاصی است. به کسی داده نمی شود. مگر آن کس که خدا بخواهد.

در آیه ۱۲۴سوره مبارکه انعام می فرماید: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ خدای متعال بهتر می داند که رسالت خودش را کجا قرار بدهد. رسالت اختصاصی است. تعداد رسولان اضافه نمی شود. تعداد امامان اضافه و کم نمی شود. از اَيْنِ سه مرتبه و مقام نبوت، رسالت و امامت، که بگذرید، بقیه دست یافتنی است. ببینید قرآن درمورد اَيْنِ مقام های امامت و رسالت و نبوت در آیه ۳۰سوره مبارکه بقره می فرماید: إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً وَ در آیه ۱۲۴سوره مبارکه بقره می فرماید: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا من تو را امام قرار دادم. اَيْنِ را به حضرت ابراهیم می فرماید. اَيْنِ مقام عطای خدا است. خب. در ماسوای اَيْنِ سه مقام نبوت، رسالت و امامت، همه مقامات بلند معنوی صاحبان رسالات و نبوت و امامت، همه مقاماتشان برای دیگران قابل تحصیل است. هرکس همت کند به هرمقدار که همت کند به آن مقامات می رسد. اَيْنِ حرف خیلی مهمی است.